

تحلیل بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران

نصراالله انصاری نژاد*

مقدمه: میزان قدرت و استحکام شخصیتی فرد، مانند عزت نفس بالا، سطح تحمل ناکامی بالا، نگرش مثبت به مراجع قدرت و میزان پرخاشگری فرد، از عوامل بازدارنده بزهکاری است. این پژوهش با عنوان «تحلیل بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران» و با هدف بررسی متغیرهای فوق در گروه عادی و بزهکار انجام شد. روش: تعداد ۱۰۰ پسر و ۳۰ دختر بزهکار مقیم در کانون اصلاح و تربیت تهران و ۱۰۰ پسر دانش آموز و ۳۰ دختر دانش آموز شاغل به تحصیل در خارج از کانون اصلاح و تربیت تهران به عنوان گروه عادی مورد پژوهش قرار گرفتند. طرح پژوهش به صورت علی - مقایسه‌ای از نوع پس‌رویدادی بوده و مدل نظری پژوهش براساس نظریه مهار است. آزمودنی‌ها به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند و در پژوهش شرکت کردند. ابزارهای پژوهش عبارت است از آزمون عزت نفس کوپر اسمت، پرسش‌نامه نگرش به پلیس، پرسش‌نامه نگرش به قانون، پرسش‌نامه پرخاشگری و آزمون تحمل ناکامی. با استفاده از برنامه آماری SPSS داده‌های پژوهش تحلیل شد. **یافته‌ها:** عزت نفس گروه عادی بیش‌تر از گروه بزهکار است. نگرش به پلیس و قانون در گروه عادی مثبت‌تر از گروه بزهکار است. پرخاشگری گروه بزهکار بیش‌تر از گروه عادی است. تحمل ناکامی گروه عادی بیش‌تر از گروه بزهکار است. دختران عادی با عزت نفس بالاتر، در برابر پلیس و قانون نگرش مثبت‌تری دارند. پسران عادی در مقایسه با سایر گروه‌ها به قانون نگرش مثبت‌تر و بیش‌ترین میزان تحمل ناکامی را دارند. بین شاخص عزت نفس و نگرش به پلیس در بین پسران عادی و بزهکار و دختران بزهکار رابطه معنی‌دار وجود دارد. ارتباط معناداری بین عزت نفس و نگرش به قانون در بین پسران عادی و بزهکار و دختران بزهکار وجود دارد. ارتباط منفی معناداری بین عزت نفس و پرخاشگری در بین پسران عادی و بزهکار و دختران بزهکار وجود دارد. ارتباط معناداری بین شاخص تحمل ناکامی و پرخاشگری در بین دختران گروه عادی و پسران بزهکار وجود دارد. شاخص عزت نفس و نگرش به قانون، به‌طور معنی‌داری بزهکاری را پیش‌بینی می‌کنند. **نتایج:** مسئولان آموزش و پرورش، والدین، رسانه‌های گروهی، متخصصان اصلاح و تربیت برای پیشگیری و درمان و بازپروری بزهکاری باید عزت نفس را ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. همچنین نگرش مثبت را درباره مراجع قدرت و قانون در کودکان و نوجوانان ایجاد کنند.

کلیدواژه‌ها: بزهکاری، پرخاشگری، سطح تحمل ناکامی، عزت نفس، نگرش مثبت

به مراجع قدرت و پلیس

تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۹/۱۰/۱۲

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی اجتماعی، دانشگاه فلسفه، جامعه‌شناسی و حقوق وابسته به آکادمی ملی علوم جمهوری آذربایجان <nansarinezhad@gmail.com> (نویسنده مسئول)

مقدمه

تبیین‌های متعددی در زمینهٔ بزهکاری نوجوانان در روان‌شناسی اجتماعی وجود دارد که یکی از بهترین تبیین‌ها در این حیطه، نظریهٔ مهار^۱ است. این نظریه متعلق به والتر بی. رکلس^۲ است. طبق این نظریه، جامعه فشارها و کشاننده‌هایی را نسبت به جرم و بزهکاری در فرد ایجاد می‌کند که عبارت است از: فشارهای درونی و فشارهای بیرونی و کشاننده‌های بیرونی در برابر این فشارها. مهارهای درونی و بیرونی گوناگونی برای محافظت از جرم و بزهکاری در افراد وجود دارد که عبارت است از: میزان قدرت و استحکام شخصیتی فرد، مانند عزت نفس بالا، سطح تحمل ناکامی بالا، هدف داشتن در زندگی و توانایی کاهش و کنترل تنش، احساس تعلق به یک گروه، داشتن ارزش‌ها و تقویت آن توسط جامعه، نظارت مؤثر والدین، انضباط و داشتن نقش اجتماعی مؤثر در جامعه. در نظریهٔ مهار این‌گونه سؤال می‌شود: چرا افراد اقدام به جرم و بزهکاری نمی‌کنند؟ یعنی، عوامل بازدارندهٔ آنان از بزهکاری چیست؟

پاسخ به این سؤال از جهات مختلف اهمیت دارد؛ چراکه در صورت مشخص شدن عوامل مؤثر در پیشگیری از بزهکاری در سطح فردی و اجتماعی می‌توان آن را عاملی مهم در بازپروری و درمان نوجوانان بزهکار که در کانون‌های اصلاح و تربیت اقامت دارند، دانست. همچنین می‌توان با تقویت و ایجاد این عوامل نگهدارنده و محافظت‌کننده در افراد، آنان را از درون در مقابل ارتکاب مجدد بزهکاری و جرم مقاوم کرد. بر همین اساس پژوهش حاضر با عنوان کلی «تحلیل بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران» انجام شده است و اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- ۱- بررسی عزت نفس گروه بزهکار و عادی؛
- ۲- بررسی نگرش به پلیس و قانون در گروه بزهکار و عادی؛
- ۳- بررسی پرخاشگری و تحمل ناکامی گروه بزهکار و عادی؛

1- containment theory

2- Walter B. Reckles

۴- تعیین سهم هر یک از متغیرهای عزت نفس، نگرش به پلیس و قانون، پرخاشگری، تحمل ناکامی در بزهکاری.

عزت نفس

قضاوت شخصی و خودارزشمندی که شخص درباره خودش دارد، عزت نفس نام دارد (کوپر- اسمیت،^۱ ۱۹۶۷). روزنبرگ^۲ عزت نفس را شامل دو مؤلفه می‌داند:

۱- احساس خودارزشمندی مبتنی بر ارزیابی خویشتن؛

۲- احساس کارآمدی مبتنی بر مشاهده آثار کارهای فرد.

مطالعات مختلف نشان داده است که حدود یک‌سوم نوجوانان عزت نفس کمی دارند (برانفیلد، ۲۰۰۵)^۳. این عزت نفس کم می‌تواند موقتی باشد؛ اما در موارد جدی و شدید سبب افسردگی، بی‌اشتهایی عصبی، بزهکاری و حتی خودکشی می‌شود. عزت نفس با عملکرد تحصیلی و بزهکاری رابطه نزدیکی دارد.

ابعاد مختلف عزت نفس کلی پایین با رفتارهای انحرافی و بزهکار هم‌بستگی بالایی دارد. با توجه به اوضاع محیطی ممکن است عزت نفس پایین سبب انحراف و بزهکاری شود. نوجوانانی که تحقیر می‌شوند یا شکست می‌خورند، برای افزایش میزان عزت نفس خودشان ممکن است رفتارهای بزهکارانه انجام دهند. همچنین وقتی نوجوانان ارزش‌های گروه مرجع انحرافی را مثبت بپندارند، احتمال انجام اعمال انحرافی بیش‌تر خواهد بود (ماهیر، ۲۰۰۸)^۴. جانسون^۵ (۱۹۹۷) مشخص کرد که نوجوانان بزهکار نه تنها عزت نفس پایین دارند، بلکه از نظر اضطراب نیز نمره بالایی دارند (ماهیر، ۲۰۰۸).

کلی^۶ (۱۹۹۸) دریافت که رابطه مثبتی بین افزایش عزت نفس و کاهش بزهکاری مجدد در نوجوانان وجود دارد.

1- Cooper-Smith
4- Mahir

2- Rosenberg
5- Johnson

3- Brownfield
6- Kelly

گراب مایر^۱ دریافت که عزت نفس پایین منجر به مشارکت فرد در عضویت در باندهای تبهکار می‌شود (احمدی، ۱۳۸۸). کاپلان^۲ دریافت که عزت نفس عامل مهمی در جرم و بزهکاری است. وی همچنین دریافت که خشونت و حمله به عزت نفس به عنوان عاملی برای ایجاد پرخاشگری و خصومت عمل می‌کند (ماهیر، ۲۰۰۸). گیلیگان^۳ در بررسی خود بر روی قاتلان دریافت که عزت نفس پایین، مهم‌ترین عامل برای درگیری در خشونت است (ماهیر، ۲۰۰۸). ریزنور و بوربا^۴ (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای دریافتند که شرکت بزهکاران در دوره‌های آموزشی، عزت نفس آنان را ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش داده و پرخاشگری فیزیکی و کلامی و همچنین رفتارهای ضد اجتماعی را کاهش می‌دهد (ماهیر، ۲۰۰۸).

ارتباط بین عزت نفس پایین و مشکلات رفتاری در تحقیقات متعددی، مانند بامیستر و همکاران^۵ (۲۰۰۳) به اثبات رسیده است. آنان دریافتند که نوجوانان با عزت نفس پایین اقدام به رفتارهای پرخاشگرانه و بزهکاری می‌کنند. همچنین فرگوسن و همکاران دریافتند که رفتارهای ضد اجتماعی هم‌بستگی بالایی با عزت نفس پایین دارند (فرگوسن و هورود، ۲۰۰۳).

همچنین دونلان^۶ و همکاران (۲۰۰۵) در بررسی رابطه بین عزت نفس پایین با پرخاشگری، رفتار ضد اجتماعی و بزهکاری، دریافتند که بین عزت نفس پایین و مشکلات برون‌سازی رفتاری رابطه عمیقی وجود دارد و این موضوع در گروه‌های سنی و نژادی و جنسیتی مختلف تأیید شده است. اوکنل^۷ (۲۰۰۱) عزت نفس را به عنوان وجه اشتراک جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و جرم‌شناسان در رفتار بزهکارانه در نظر می‌گیرد. برای نمونه می‌توان در نظریه رکلس به این موضوع این گونه نگاه کرد: فردی که عزت نفس بالا دارد، می‌تواند در برابر تمایلات مربوط به جرائم خیابانی مقاومت کند؛ درحالی‌که در نظریه برچسب‌زنی، برچسب زدن به افراد منجر به آسیب دیدن تصویر از خود و عزت نفس

1- Grab meier

2- Kaplan

3- Gilligan

4- Borba

5- Baumeister et al

6- Horwood and Fergusson

7- Donnellun 8- o'connell

می‌شود که این به‌نوبه خود رفتارهای بزهکارانه و ضد اجتماعی را افزایش می‌دهد (سیگل و سنا، ۲۰۰۳).^۱

به‌طور خلاصه می‌توان به نتایج تحقیقاتی مانند کالدول و بیوتر،^۲ راس و سیلور^۳ (۲۰۰۶) اشاره کرد که رابطه بین بزهکاری و عزت نفس را تأیید کرده‌اند. تحقیقات جدید بر کشف رابطه بین سطوح عزت نفس و درجات بزهکاری متمرکز است (ماهیر، ۲۰۰۸). مطالعه‌ای طولانی مدت بر روی ۱۳۲ نوجوان انجام شد. این نوجوانان جرائم گوناگونی از خفیف، مانند فرار از مدرسه و مصرف مشروب، تا شدید مانند سرقت و جیب‌بری و فروش مواد مخدر، تا جرائم جدی‌تر مانند تجاوز به زور را مرتکب شده بودند. نتیجه این مطالعه نشان داد که افرادی که جرائم شدید و جدی را انجام داده بودند، به‌طور معنی‌داری عزت نفس پایینی داشتند (پارکر و بنسون، ۲۰۰۴).^۴

در مطالعه دیگری اسمیت و همکاران^۵ (۲۰۰۵) دریافتند نوجوانانی که جرائم جنسی شدیدی انجام داده بودند، نمرات عزت نفس پایینی در مقایسه با گروه‌های دیگر داشتند. مطالعه دیگری به صورت مقطعی بر روی ۱۰ نوجوان دختر در ندرلند انجام شد که جرائم جنسی مرتکب شده بودند. این مطالعه نشان داد که اکثر آنان عزت نفس پایینی داشتند (پارکر، بنسون، ۲۰۰۴).^۴

مطالعه دیگری در آلمان بر روی ۲۷ بزهکار نوجوان که جرائم جنسی مرتکب شده بودند و ۷۸ بزهکار که جرائم غیرجنسی مرتکب شده بودند، انجام شد. این مطالعه نشان داد که مجرمان جنسی به‌طور معنی‌داری نمرات پایینی در آزمون عزت نفس روزنبرگ کسب کرده‌اند (لورنز، ۲۰۰۸).^۶

موفیت و همکاران در زمینه بررسی رابطه عزت نفس پایین و بزهکاری به این نتیجه رسیدند که بین عزت نفس پایین و بزهکاری رابطه وجود دارد (موفیت و همکاران،

1- Siegel and Senna
4- Parker and Benson

2- Caldweel and Beuter
5- Smith et al

3- Ross and Silver
6- Lorenz

۲۰۰۸).^۱ پارکر و همکاران (۲۰۰۴) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که عزت نفس به طور معنی داری با رفتارهای پرخطر در دختران و پسران دانش آموز رابطه دارد.

نوجوانان و پلیس

یکی از دلایل اهمیت نگرش نوجوانان به پلیس این است که آن‌ها نسبت زیادی از جمعیت را تشکیل می‌دهند که تعامل معنی داری با پلیس دارند. درصدی از بازداشت‌شدگان توسط پلیس، نوجوانان هستند. در بین مطالعاتی که برای بررسی نگرش نوجوانان به پلیس انجام شده است، بیش تر آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که به طور کلی نوجوانان نگرش مثبتی به پلیس ندارند (نیهارت، ۲۰۰۵).^۲ همچنین مردان در مقایسه با زنان نگرش منفی‌تری به پلیس دارند. اقلیتی از نوجوانان که در مناطق خاصی از شهرها زندگی می‌کنند، نگرش منفی‌تری به پلیس دارند.

به نظر می‌رسد نگرش منفی به پلیس با فعالیت‌های مجرمانه همراه باشد. نوجوانان بزهکار به دلیل گرایش و علائق خرده‌فرهنگ خودشان، عقاید و ارزش‌های متفاوتی درباره دیگر قسمت‌های جامعه دارند (نیهارت، ۲۰۰۵).

محققان در بسیاری از تحقیقات که نگرش نوجوانان به پلیس را ارزیابی کرده است، دریافته‌اند که درگیری در فعالیت‌های بزهکاری به طور مستقیم با نگرش منفی به پلیس ارتباط دارد (وسترن، ۲۰۰۸).^۳ ریگی و همکاران به این نتیجه رسیدند که بین احترام نگذاشتن و نگرش مثبت به مراجع و نهادهای قانونی و رفتارهای انحرافی در نوجوانان رابطه وجود دارد (سیگل و سنا، ۲۰۰۳). براون و بندیکت^۴ (۲۰۰۲) بیان کردند که نگرش مثبت به والدین و معلمان به صورت مثبت با نگرش به پلیس هم‌بسته است. نیهارت و همکاران (۲۰۰۵)، در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که نگرش نوجوانان به والدین و معلمان پیش‌بینی کننده‌های خوبی برای نگرش به پلیس است. بنابراین پیشگیری از جرم از طریق بهبود نگرش نوجوانان به پلیس تسهیل خواهد شد.

1- Moffitt et al 2- Nihart 3- Western 4- Brown and Benedict

نگرش به مراجع قدرت

مهم‌ترین مراجع قدرت در دوران کودکی عبارت‌اند از والدین و معلمان و پلیس. در مراحل نوجوانی مراجع دیگری مانند قانون و دادگاه و قاضی نیز به این مراجع افزوده می‌شوند. به‌طور کلی می‌توان چنین گفت که نگرش به مراجع قدرت در هر دوره از زندگی تابع نگرش فرد به مراجع قدرت در دوره‌های قبلی زندگی است.

ریگی و دیگران^۱ (۱۹۸۷) مشخص کردند که نوجوانان به مراجع قدرت شخصی و غیرشخصی نگرش مشابهی دارند. آمورسو و ویر^۲ (۱۹۸۶) همچنین دریافتند که برداشت نوجوانان از محیط خانواده تأثیر مهم و معنی‌داری بر نگرش آنان به مراجع قدرت دارد (آمورسو و ویر، ۱۹۸۷).

نگرش نوجوان به مراجع قدرت، موضوعی حیاتی و مهم برای قوه قضاییه است؛ به‌طوری که با درک بهتر نگرش نوجوانان به مراجع قدرت، مانند قانون و پلیس، می‌توان میزان درگیری نوجوانان با پلیس و قانون را کاهش داد.

بنا به نظریه لوی^۳ (۲۰۰۱) گزارش رسانه‌ها درباره جرم و بزهکاری نوجوانان که اقدامات خطرناکی انجام داده‌اند، بیانگر نگرش منفی آنان به مراجع قدرت است. در طی دو دهه گذشته، تحقیقات بسیاری درباره نگرش نوجوانان به اقتدار مؤسسات قانونی انجام شده است. بعضی از این تحقیقات، نگرش به بعضی از منابع مهم یا بالقوه مهم اقتدار برای نوجوانان، مانند پلیس، قانون، معلمان و ارتش را بررسی کرده‌اند (لوی، ۲۰۰۱).

مطالعه‌ای بر روی نوجوانان استرالیایی که ریگی و همکاران (۱۹۸۷) انجام دادند، نگرش نسبتاً مثبت نوجوانان به اقتدار نهاده، یعنی والدین، معلمان، پلیس و قانون، را تأیید کرد. محققان در تحقیقات دیگری در استرالیا و اسکاتلند و انگلیس نیز به نتایج مشابهی رسیدند (وسترن، ۲۰۰۸).

1- Rigby et al

2- Amorso and Ware

3- Levy

همچنین تحقیق دیگری درباره دانش‌آموزان مرحله پیش از نوجوانی نشان داد که نگرش مثبت به والدین و پلیس رابطه معنی‌داری با همدیگر دارند (ریگی و شافیلد، ۱۹۸۷).^۱ در پژوهش دیگری که لوی انجام داد، رابطه بین نگرش نوجوانان نسبت به اقتدار و خودپنداری و بزهکاری را مطالعه کرد. وی به این نتیجه رسید که نوجوانان غیربزهکار نگرش مثبتی به مراجع قدرت مانند معلمان و والدین و پلیس دارند؛ ولی نوجوانان بزهکار نگرش کم‌تر مثبتی به مراجع قدرت دارند. همچنین در این تحقیق مشخص شد که رابطه مثبتی بین خودپنداری و نوع نگرش به مراجع قدرت وجود دارد و این رابطه در دو گروه بزهکار و غیربزهکار نیز وجود داشت (لوی، ۲۰۰۱).

پرخاشگری

پرخاشگری عملی است که هدف آن صدمه و آزار رساندن جسمانی یا کلامی به فرد یا نابود کردن اموال و دارایی فرد است. همچنین پرخاشگری ممکن است وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی دیگر باشد.

پرخاشگری از اوضاع اجتماعی مختلفی ناشی می‌شود. این عوامل یا سبب وقوع پرخاشگری می‌شوند یا شدت آن را افزایش می‌دهند. مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های اجتماعی پرخاشگری عبارت است از:

- ۱- ناکامی؛
- ۲- تحریک مستقیم؛
- ۳- خشونت رسانه؛
- ۴- برانگیختگی جنسی.

1- Rigby and Schofield

عوامل فردی پرخاشگری

۱- پژوهشگران ارتباط میان شخصیت تیپ B و پرخاشگری را مطالعه کردند و به این نتیجه رسیدند که فرد دارای تیپ B ممکن است شخصی افسرده و مضطرب باشد که احتمالاً تحت تأثیر پرخاشگری و تحریک‌پذیری بوده است. این حالت موجب طغیان‌های کلامی پرخاشگرانه و آشکار می‌شود (ابوالقاسمی، ۱۳۸۶).

۲- سوگیری اسنادی خصمانه: افراد برخوردار از سوگیری اسنادی به‌سادگی تصور می‌کنند که اعمال و رفتارهای تحریک‌آمیز دیگران عمدی است و اغلب بر این اساس واکنش شدیدی از خود نشان می‌دهند. دوج و کوی (۱۹۸۷) دریافتند که تمایل پسران به ابراز سوگیری اسنادی خصمانه منجر به تمایل پرخاشگری توسط آن‌ها می‌شود. دوج و همکاران (۱۹۹۰) نتایج مشابهی نیز در کودکان و نوجوانان گزارش کرده‌اند. در نوجوانان این سوگیری با تعداد جرایم و نوع جرایم مرتبط بود.

۳- ابعاد شخصیتی: نتایج پژوهش‌ها در زمینه شخصیت حاکی از آن است که مردم به طرق متعددی با یکدیگر تفاوت دارند؛ اما بسیاری از آن‌ها در پنج بُعد زیربنایی شخصیت با هم مرتبط‌اند. این ابعاد اساسی شخصیت عبارت است از: برون‌گرایی، پذیرندگی، وظیفه‌شناسی، ثبات هیجانی.

استقبال از تجربه هر یک از این ابعاد، ارتباط نزدیکی با خشنودی و عملکرد در بسیاری از مشاغل دارد. کاپرارا و همکاران متوجه شدند که چندین صفت از جمله تحریک‌پذیری، واکنش هیجانی، نشخوار و تمایل به تفکر درباره تحریکات یا جست‌وجوی راه‌حل‌های آن با پرخاشگری ارتباط دارند. عوامل دیگری، مانند فرهنگ و محیط طبیعی، در ایجاد پرخاشگری تأثیر دارد.

بسیاری از روان‌شناسان اجتماعی معتقدند که بروز تفاوت‌های جنسی در پرخاشگری ناشی از عوامل اجتماعی است. این عوامل شامل انتظارات و تصورات قالبی رایج در جامعه درباره رفتار مناسب برای زنان و مردان است.

برخی شواهد از این دیدگاه حمایت می‌کند که عوامل وراثتی و زیست‌شناختی نیز حداقل در گرایش بیش‌تر مردان به درگیری، در برخی انواع پرخاشگری نقش دارند. احتمالاً قانع‌کننده‌ترین شواهد در این زمینه مربوط به میزان زیاد تستوسترون در مردان است که با سطوح بالای پرخاشگری مشاهده شده در آزمودنی‌ها همسویی دارد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۶). همچنین تحقیقات پایه متعددی در طول قرون گذشته، اهمیت پرخاشگری و همچنین ناکامی افراد در بروز رفتارهای ناسالم، مانند بزهکاری و تخریب اموال عمومی را تأیید کرده است.

ناکامی

ناکامی هنگامی پیش می‌آید که شخص نتواند به هدف مطلوب برسد. منبع ناکامی می‌تواند درونی همچون ناتوانی در انجام دادن کارها و بی‌کفایتی باشد. ناکامی پدیده پیچیده‌ای از انگیزش است. تا کسی برانگیخته نباشد، ناکام نمی‌شود. ناکامی عموماً این‌گونه درک می‌شود: «حالت منع در ارضای انگیزه» یا «تداخلی در پاسخ هدف یا در عمل واسطه‌ای که منتهی به آن هدف می‌شود» (کریمی، ۱۳۸۸).

تحمل ناکامی

تحمل ناکامی به قابلیت فرد در نشان دادن مقاومت در کوشش با وجود شکست مکرر و محیط خصومت‌آمیز اشاره می‌کند. از نظر روزنویگ (۱۹۴۴) «تحمل ناکامی قابلیت فرد برای مقاومت در برابر ناکامی است، بدون اینکه در سازگاری روان‌شناختی اشکالی ایجاد شود؛ یعنی بدون اینکه به شیوه‌های ناپسند رفتاری دست بزند».

ناتوانی در تحمل ناکامی به آشفتگی روانی و ناسازگاری و مشکلات در روابط بین اشخاص می‌انجامد. ناکامی را پیش‌درآمد پرخاشگری می‌دانند. کسی که توانایی بیش‌تری

در تحمل ناکامی داشته باشد، در مقایسه با کسی که در این خصوص توانایی کمتری دارد، کم‌تر پرخاشگری می‌کند. افرادی که استعداد کم‌تری در تحمل ناکامی دارند، در توانایی خواندن مشکلات بیش‌تری دارند. همچنین تحمل ناکامی کم^۱، به رفتار ضد اجتماعی یا رفتار ناسازگار دیگری منتهی می‌شود. بیش‌تر افراد روان‌نژند و روان‌پزیش در تحمل ناکامی کم‌بود دارند.

تحمل ناکامی کم، زمانی اتفاق می‌افتد که فرد بسیار ناکام باشد. این واژه را اولین بار آلبرت ایس در دههٔ شصت میلادی به کار برد. زمانی که فرد از رسیدن به موفقیت مدنظر خودش ناکام شود، تحمل کمی برای رسیدن به اهداف بعدی خواهد داشت. این حالت در جوامع امروزی به دلیل این است که بسیاری از افراد خواهان دسترسی سریع برای اهداف خودشان هستند. افرادی که تحمل ناکامی کمی دارند، باورهای انعطاف‌ناپذیری دارند، غمگین هستند، غیرمنطقی بوده و در مقابل واقعیت بسیار ناپایدارند.

افراد با آستانهٔ تحمل بالا، افرادی منطقی و خوش‌حال و انعطاف‌پذیرند و در رفتار خود، خواهان دستیابی سریع به راه‌حل‌های عملی هستند. این‌گونه افراد به‌راحتی و به‌سادگی با مشکلات کنار می‌آیند و در زمان کوتاهی بسیار سخت کار می‌کنند و برای رسیدن به اهداف بلند مدت تلاش می‌کنند (روزنباوم و لاسلی، ۱۹۹۰)^۲.

تحمل ناکامی بالا به عنوان یکی از عوامل مهم و محافظت‌کنندهٔ فرد در برابر بزهکاری است. این عامل که یکی از عوامل مهم در نظریهٔ مهار رکلس است، در اثر تعامل مناسب و مثبت فرد در طول دوران رشد روانی و اجتماعی در زندگی تحول و گسترش می‌یابد. تحقیقات متعددی در زمینهٔ رابطهٔ بین ناکامی و بزهکاری انجام شده است که به‌اختصار به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

فارینگتون^۳ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «دانش پیشرفته در زمینهٔ پیشگیری اولیه از رفتارهای ضد اجتماعی در بزرگسالی»، سطح تحمل ناکامی کم را به عنوان عامل فردی

1- low frustration tolerance

2- Rosenbaum and Lasley

3- Farington

اولیه و مهمی در ایجاد رفتارهای بزهکارانه در نوجوانی و بزرگسالی ذکر می‌کند. محققان متعددی از جمله بنت و همکاران گزارش کرده‌اند که بزهکاران و روان‌نژدها سطح تحمل ناکامی کمی دارند (بریان، ۱۹۹۶).

میسرتا^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی بر روی نوجوانان مدارس امریکایی در زمینه علت مشارکت نکردن در فعالیت‌های مدرسه و انجام دادن اعمال بزهکارانه به این نتیجه رسید که سطح تحمل ناکامی کم (LFT) به همراه علاقه نداشتن به فعالیت‌های درسی و شرکت نکردن در فعالیت‌های ورزشی در مدرسه عامل مهمی برای شکست و ناکامی فرد بوده و این سبک معیوب، مشارکت فرد در بزهکاری را سرعت می‌بخشد.

پایناونگ^۲ (۲۰۰۷) عوامل فردی و اجتماعی و محیطی مؤثر بر تکرار جرم در نوجوانان بزهکار را که بر روی ۱۳۷ پسر و ۳۱ دختر انجام شد، بررسی کرد. او به این نتیجه رسید که سطح تحمل ناکامی کم، هم‌بستگی بالایی با تکرار بزه در شش ماه بعد از آزادی از مؤسسه اصلاحی تربیتی دارد. همچنین وی دریافت که سطح تحمل ناکامی کم عامل مؤثر و تقویت‌کننده مهمی برای روی آوردن نوجوانان به مصرف مشروب و مواد مخدر است.

ازنیگا^۳ و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیقی با عنوان «سطوح رشد روانی-اجتماعی و خودکنترلی و تأثیر آن بر اختلالات رفتاری و بزهکاری» اشاره کردند که نقص در مهارت‌های خودکنترلی در دوران اولیه نوجوانی آشکار شده و سبب موفق نبودن فرد در یادگیری مهارت‌های تأخیر ارضا و همچنین پایین آمدن سطح تحمل ناکامی فرد شده و این امر به‌نوبه خود سبب ارتکاب اعمال بزهکارانه می‌شود (پایناونگ، ۲۰۰۷).

با توجه به اهمیت موضوعات گفته شده، در قسمت‌های بعدی پژوهش عوامل مؤثر بر بزهکاری مانند عزت نفس، نگرش به پلیس، نگرش به قانون، تحمل ناکامی و پرخاشگری را بررسی خواهیم کرد.

1- Mistretta

2- Paynaweng

3- Ezniga

روش

در این پژوهش، وضعیت گروهی در دو سطح بزهکار و عادی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود. متغیر وابسته، عزت نفس، نگرش به پلیس، نگرش به قانون، تحمل ناکامی و پرخاشگری است.

طرح پژوهش مدنظر، روش علی-مقایسه‌ای پس‌رویدادی است. در این پژوهش از دو گروه مستقل استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری

گروه بزهکار همه نوجوانان بزهکار مقیم در کانون اصلاح و تربیت تهران را دربرمی‌گیرد. گروه عادی شامل دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در منطقه ۵ و ۱۵ آموزش و پرورش شهر تهران است. علت انتخاب افراد گروه عادی از مناطق فوق، زیاد بودن میزان بزهکاری دختران در منطقه ۵ و زیاد بودن میزان بزهکاری پسران در منطقه ۱۵ شهر تهران است (انصاری‌نژاد، ۱۳۸۴).

گروه‌های نمونه هم به چهار دسته تقسیم می‌شوند: نمونه بزهکار ۱۰۰ نفر از نوجوانان پسر و ۳۰ نفر دختر کانون اصلاح و تربیت تهران که به صورت تصادفی انتخاب شده و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نمونه عادی نیز شامل ۱۰۰ پسر دانش‌آموز شاغل به تحصیل در منطقه ۱۵ آموزش و پرورش تهران و ۳۰ دختر دانش‌آموز شاغل به تحصیل در منطقه ۵ آموزش و پرورش تهران هستند که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند و از آنان آزمون گرفته شد. برای نمونه‌گیری در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است.

ابزارهای اندازه‌گیری

این ابزارها عبارت است از:

«پرسش‌نامه نگرش به پلیس»: که به صورت محقق ساخته است، بیست سؤال در مقیاس لیکرت با پنج گزینه از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم دارد. برای تعیین اعتبار پرسش‌نامه

نگرش به پلیس، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که یکی از روش‌های همسانی درونی است. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس $0/841$ محاسبه شد. این ضریب اعتبار نشان می‌دهد که می‌توان به نتایج و محاسبات بعدی اعتماد داشت.

«پرسش‌نامه نگرش به قانون»: بیست سؤال پنج گزینه‌ای دارد که حاوی سؤالات درباره نگرش فرد به قاضی و دادگاه است. برای تعیین اعتبار پرسش‌نامه نگرش به قانون، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که یکی از روش‌های همسانی درونی است. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس $0/835$ محاسبه شد. این ضریب اعتبار مناسب است و می‌توان به نتایج و محاسبات بعدی اعتماد داشت.

«پرسش‌نامه عزت نفس کوپر اسمت»: این آزمون ۵۸ سؤال دارد که به صورت بلی - خیر است و اکثر سؤالات عزت نفس را می‌سنجد؛ اما هشت سؤال مقیاس دروغ‌سنجی است. برای تعیین اعتبار پرسش‌نامه عزت نفس کوپر اسمت از روش آلفای کرونباخ، یکی از روش‌های همسانی درونی، استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس $0/743$ محاسبه شد.

«پرسش‌نامه پرخاشگری AGQ»: این پرسش‌نامه مشتمل بر سی ماده است که چهار ماده آن عامل خشم و هشت ماده آن عامل تهاجم و هشت ماده آن عامل کینه‌توزی را می‌سنجد. برای تعیین اعتبار پرسش‌نامه پرخاشگری از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس $0/946$ محاسبه شد.

«آزمون تحمل ناکامی»: این آزمون به صورت ترسیمی است و چهار نوع شکل دارد که آزمودنی باید شکل‌های موجود در جاهای مدنظر را ترسیم کند. در پایان مجموع نمره زمان و تعداد تلاش‌های آزمودنی به عنوان نمره تحمل ناکامی وی ثبت می‌شود.

برای تعیین روایی ملاکی آزمون نگرش به پلیس، از پرسش‌نامه پرخاشگری AGQ استفاده شد که ضریب هم‌بستگی بین این دو آزمون، $0/714$ به دست آمد که در سطح $P < 0/001$ معنا دار است.

همچنین برای تعیین روایی ملاکی آزمون نگرش به قانون، از پرسش‌نامه عزت نفس کوپر اسمت استفاده شد که ضریب هم‌بستگی بین این دو آزمون، $0/705$ به دست آمد که

در سطح $P < 0.001$ معنادار است.

در این پژوهش پس از گردآوری پرسش‌نامه‌ها ابتدا با استفاده از روش‌های آمار توصیفی، میانگین و انحراف استاندارد داده‌های پژوهش ارائه شد. سپس فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش آماری تی دو گروه مستقل بررسی شد.

در سؤال پژوهشی از روش آماری رگرسیون لجستیک برای تعیین سهم هر یک از متغیرهای پژوهش در بزهکاری استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

بیش‌ترین فراوانی سنی با ۴۳ درصد مربوط به ۱۶ سالگی است و دامنه سنی ۱۳ تا ۱۹ سالگی است. میانگین سنی پسران بزهکار ۱۶/۴، دختران بزهکار ۱۶/۳، پسران عادی ۱۶/۲ و دختران عادی ۱۶/۳ سال است. بیش‌ترین فراوانی تحصیلات با ۵۰/۸ درصد مربوط به دوره راهنمایی است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی نمره کل متغیرهای عزت نفس، نگرش به پلیس، نگرش به قانون، پرخاشگری، تحمل ناکامی در دو گروه عادی و بزهکار

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین
عزت نفس	بزهکار	۱۳۰	۲۷/۴۴۶	۶/۸۷۹	۰/۶۰۳
	عادی	۱۳۰	۳۹/۵۹۲	۳/۶۸۰	۰/۳۲۳
نگرش به پلیس	بزهکار	۱۳۰	۶۵/۲۱۵	۱۵/۵۱۴	۱/۳۶۰
	عادی	۱۳۰	۸۲/۰۵۴	۷/۳۳۵	۰/۶۴۳
نگرش به قانون	بزهکار	۱۳۰	۶۶/۰۴۶	۱۳/۰۴۸	۱/۱۴۴
	عادی	۱۳۰	۸۵/۳۶۱	۷/۰۴۹	۰/۶۱۸
پرخاشگری	بزهکار	۱۳۰	۴۸/۴۵۴	۱۴/۸۲۶	۱/۳۰۰
	عادی	۱۳۰	۲۶/۰۲۳	۱۱/۲۱۵	۰/۹۸۴
تحمل ناکامی	بزهکار	۱۳۰	۳۵۳/۵۰۷	۲۷۳/۴۸۳	۲۳/۹۸۶
	عادی	۱۳۰	۴۳۵/۴۶۱	۲۵۳/۸۷۶	۲۲/۲۶۱

با توجه به جدول فوق، عزت نفس گروه عادی بیش تر از گروه بزهکار است. افراد گروه عادی نگرش مثبت تری در مقایسه با گروه بزهکار به پلیس دارند. افراد گروه عادی نگرش مثبت تری در مقایسه با گروه بزهکار به قانون دارند. گروه بزهکار پرخاشگری بیش تری در مقایسه با گروه عادی دارند. تحمل ناکامی در گروه عادی بیش تر از گروه بزهکار است.

یافته‌های تحلیلی

ابتدا آزمون لوین برای بررسی اصل همگنی پراکنش‌ها انجام شد و نتایج برابری پراکنش‌ها را نشان داد و سپس آزمون تی انجام شد که نتایج این آزمون در جدول ۷-۴ نشان داده شده است.

جدول ۲. آزمون تی برای مقایسه میانگین‌های دو گروه عادی و بزهکار

تفاوت بین دو میانگین	مقدار p	درجه آزادی	T	آزمون Levens		شاخص متغیر
				مقدار p	F	
-۱۲/۱۴۶	۰/۰۰۰**	۲۵۸	-۱۷/۷۵	۰/۰۰۰**	۵۴/۱۹۴	عزت نفس
-۱۶/۸۳۶	۰/۰۰۰**	۲۵۸	-۱۱/۱۸۶	۰/۰۰۰**	۴۶/۴۱۲	نگرش به پلیس
-۱۹/۳۱۵	۰/۰۰۰**	۲۵۸	-۱۴/۸۵۰	۰/۰۰۰**	۳۰/۹۴۶	نگرش به قانون
۲۲/۴۳۱	۰/۰۰۰**	۲۵۸	۱۳/۷۵۸	۰/۰۰۰**	۱۸/۹۶۵	پرخاشگری
-۸۱/۹۵۴	۰/۰۱۱	۲۵۸	-۲/۵۰۴	۰/۵۵۳	۰/۳۲۶	تحمل ناکامی

$p < ۰/۰۰۱**$

با توجه به تی محاسبه شده ($df = ۲۵۸$ و $t = -۱۷/۷۵$)، تفاوت دو گروه معنادار است و میانگین عزت نفس گروه بزهکار پایین تر از گروه عادی است. بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

با توجه به تی محاسبه شده ($df = ۲۵۸$ و $t = -۱۱/۱۸۶$)، تفاوت دو گروه معنادار است و گروه عادی نگرش مثبت تری در مقایسه با گروه بزهکاری به پلیس دارد. طبق این یافته، فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود.

با توجه به تی محاسبه شده ($df = 258$ و $t = -14/850$)، تفاوت دو گروه معنادار است و گروه عادی نگرش مثبت تری در مقایسه با گروه بزهکار به پلیس دارند. با توجه به نتایج به دست آمده، فرضیه سوم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

با توجه به تی محاسبه شده ($df = 258$ و $t = 13/758$)، تفاوت دو گروه معنادار است و میانگین نمرات پرخاشگری گروه بزهکار بیش تر از گروه عادی است و فرضیه چهارم نیز تأیید می‌شود.

با توجه به تی محاسبه شده ($df = 258$ و $t = 0/01$)، تفاوت معناداری از لحاظ آماری بین دو گروه مشاهده شد. بدین معنا که میزان تحمل ناکامی گروه عادی بیش تر از گروه بزهکار است. این یافته نیز تأیید کننده فرضیه پنجم پژوهش است.

بررسی سؤال پژوهش

سهم هر یک از متغیرهای عزت نفس، نگرش به پلیس، نگرش به قانون، پرخاشگری، تحمل ناکامی و جنسیت در بزهکاری چقدر است؟
برای پاسخ‌گویی به این سؤال از روش رگرسیون لجستیک استفاده شد. با استفاده از مدل هم‌زمان، متغیرها در تحلیل وارد شدند و نتیجه در زیر بررسی می‌شود:

جدول ۳. Omnibus tests of model coefficients

مقدار p	درجه آزادی	فی ۲	روش هم‌زمان
۰۰۰/۰***	۷	۲۷۵/۳۱۷	مرحله ۱

$p < 0.001$ ***

جدول ۴. مدل خلاصه شده

Nagelkerke R square	R square	log ₂ - Like lihood	مرحله
۰/۸۸۶	۰/۶۶۵	۷۳/۹۶۶	۱

جدول ۵. جدول طبقه‌بندی

Predicted				
Percentage correct	بزهکاری			
	۲	۱		
۹۳/۸۰	۱۳	۱۱۷	۱	بزهکاری
۹۳/۵۰	۱۲۴	۷	۲	درصد کل
۹۳/۷۰				مرحله ۱

جدول ۶. variables in the Equation

متغیر پیش‌بین	B	خطای انحراف استاندارد	والد	درجه آزادی	مقدار p	Exp(B)
	B	S.E	wald	df	p	
عزت نفس	۰/۴۴۹	۰/۰۷۱	۳۱/۸۲۴	۱	۰/۰۰۰**	۰/۶۳۸
پرخاشگری	-۰/۰۲۵	۰/۰۲۱	۱/۳۹۹	۱	۰/۲۳۷	۰/۹۷۵
نگرش به پلیس	-۰/۱۰۹	۰/۰۶۰	۳/۳۳۶	۱	۰/۰۶۸	۰/۸۹۷
نگرش به قانون	-۰/۱۰۹	۰/۰۶۰	۳/۳۳۶	۱	۰/۰۶۸	۰/۸۹۷
زمان تحمل ناکامی	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۲/۲۸۶	۱	۰/۸۸۲	۰/۹۹۶
دفعات تحمل ناکامی	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۵	۳/۱۳۵	۱	۰/۷۱۳	۱/۰۱۲
جنسیت	۰/۰۶۰	۰/۸۲۶	۰/۱۷۹	۱	۰/۹۴۲	۱/۰۶۲
ثابت	۱۸/۸۸۱	۳/۶۸۸	۲۱۲/۲۶	۱	۰/۰۰۰**	۱/۵۸۶

یک تحلیل رگرسیون لوجستیک اجرا شد که در آن عامل بزهکاری به عنوان متغیر وابسته و شاخص‌های عزت نفس، پرخاشگری، نگرش به پلیس، نگرش به قانون، دفعات تحمل ناکامی، زمان تحمل ناکامی و جنسیت به عنوان متغیرهای پیش‌بین انتخاب شدند. در کل ۲۶۰ نفر در تحلیل وارد شدند و مدل کامل (full model) به طور معنی‌داری پایا بود. ($P < ۰/۰۰۱$ و $df = ۷$ و $F = ۲۷۵/۳۱۷$ = فی ۲) این مدل بین ۰/۶۶۵ تا ۰/۸۸۶ درصد از واریانس را در بزهکاری تبیین می‌کند.

۹۳/۸۰ درصد از پیش‌بینی‌ها برای گروه غیربزهکار (عادی) صحیح بود.

۹۳/۵۰ درصد از پیش‌بینی‌ها برای گروه بزهکار صحیح بود و در کل ۹۳/۷۰ درصد از

پیش‌بینی‌ها درست بود.

بحث

جدول ۶، ضرایب و آماره wald و درجات آزادی مربوط و مقادیر احتمال برای هرکدام از متغیرهای پیش‌بین را ارائه می‌دهد. آماره wald نشان دهنده سودمندی هرکدام از متغیرهای پیش‌بین است. این جدول نشان دهنده این است که شاخص عزت نفس و نگرش به قانون، به‌طور پایایی (معنی‌داری) بزهکاری را پیش‌بینی می‌کند.

مقادیر ضرایب نشان می‌دهد که افزایش عزت نفس با کاهش بخت (کم شدن شانس) بزهکار شدن، با عاملی از ۰/۶۳۸ همراه است و افزایش نگرش به قانون با کاهش بخت (کم شدن شانس) بزهکار شدن، با عاملی ۰/۹۸۷ همراه است. یعنی با افزایش مقدار عزت نفس، احتمال بزهکاری ۰/۶۳۸ درصد کاهش می‌یابد و با افزایش مقادیر نگرش به قانون، احتمال بزهکاری ۰/۹۸۷ درصد کاهش می‌یابد. سایر متغیرهای پیش‌بین، پیش‌بینی کننده معنی‌داری نبودند.

محدودیت‌ها

- ۱- اولین محدودیت این پژوهش این است که تعمیم نتایج فقط به نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت تهران محدود می‌شود.
- ۲- عوامل مؤثر در پیش‌بینی بزهکاری در این پژوهش با تکیه بر «نظریه مهار» والتر رکلس و از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی بررسی شد. بنابراین سایر عوامل که از دیدگاه‌های مختلف می‌توان درباره آن تحقیق کرد، در این پژوهش استفاده نشد.

پیشنهادها

- ۱- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، از نوجوانان سایر شهرها و در صورت امکان به صورت بین‌فرهنگی در سایر کشورها، پژوهش‌های مقایسه‌ای انجام شود.

- ۲- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی از سایر نظریه‌های موجود در تبیین بزهکاری برای پژوهش استفاده شود و نتایج به صورت مقایسه‌ای برای دستیابی به دیدگاه واحد و جامع تحلیل شود.
- ۳- پیشنهاد می‌شود برای پیشگیری از بروز بزهکاری در بین کودکان و نوجوانان عوامل فرهنگی مؤثر بر بزهکاری، مانند رسانه‌های گروهی، رادیو، تلویزیون و سینما شناخته شود. همچنین دست‌اندرکاران فرهنگ و هنر با پرداختن به علل و عوامل اثرگذار بر بزهکاری دانش و معلومات عمومی مردم را افزایش دهند. نیز با ساختن فیلم و نوشتن کتاب برای عموم مردم، میزان آگاهی آنان را افزایش دهند.
- ۴- پیشنهاد می‌شود برای پیشگیری از بروز آسیب‌های جدید، مانند مصرف مواد مخدر که زمینه‌ساز انواع بزهکاری‌هاست، جامعه‌شناسان و دست‌اندرکاران علوم اجتماعی چند کار مهم انجام دهند. آنان می‌توانند با مطالعه دربارهٔ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نوجوانان و ارائه راهکار برای افزایش میزان علائق اجتماعی و پیوستن نوجوانان به ارزش‌های سنتی جامعه از بروز بزهکاری نوجوانان پیشگیری کنند.
- ۵- پیشنهاد می‌شود مسئولان و دست‌اندرکاران دولت با اتخاذ تدابیر لازم برای افزایش فرصت برای نوجوانان در جامعه اقدام کنند. نیز از طریق مشارکت دادن نوجوانان در برنامه‌های اجتماعی میزان عزت نفس آنان را از دوران نوجوانی افزایش دهند تا شاهد بروز موارد جدید بزهکاری نباشیم.
- ۶- پیشنهاد می‌شود والدین و اعضای خانواده با صرف وقت و توجه بیشتر به نوجوانان از طریق توجه به موارد درسی، ارتباط با معلمان، نظارت بر دوستان و اختصاص وقت بیشتر برای تفریح فرزندان و حضور بیشتر در خانواده مانع مهمی برای روی آوردن نوجوانان به سمت بزهکاری باشند.

- ابوالقاسمی، ع. و همکاران. (۱۳۸۶)، روان‌شناسی در اجتماع، تهران: رهرو دانش.
- احمدی، ح. (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: سمت.
- انصاری‌نژاد، ن. (۱۳۸۴)، توزیع جغرافیایی بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران (منتشر نشده)، واحد روان‌شناسی کانون اصلاح و تربیت تهران.
- کریمی، ا. (۱۳۸۸)، بررسی ناکامی و آزمون ترسیمی ناکامی، تهران: انتشارات روان‌سنجی تهران.
- Amoroso, D. M. and Ware E. E., (1986), Adolescents' Perception of Aspects of the Home Environment and their Attitudes toward Parents, Self, and External Authority, **Adolescence**, 21:191-204
- Baumeister, R.F., Smart, L., and Boden, J.M., (1996). Relation of threatened egotism to violence and aggression: The dark side of high self-esteem, **Psychological Review**, 103, 5-33.
- Brown, B. and Benedict W. R., (2002), Perceptions of the Police: Past Findings, Methodological Issues, Conceptual Issues, and Policy Implications, **Policing: An International Journal of Police Strategies and Management**, 25:543-580
- Coppersmith, S. (1967), **The Antecedents of Self-Esteem**, Freeman, San Francisco.
- Donnellan MB, Trzesniewski KH, Robins RW, Moffitt TE, Caspi A., Low self-esteem is related to aggression, antisocial behaviour, and delinquency, *Psychol Sci* 2005, **16**: 328–35.
- Farrington, D. P., (1998), Predictors, causes, and correlates of male youth violence, In **Youth Violence (Crime and Justice: A Review of the Research**, Volume 24). (pp. 421-475).
- Fergusson, D.M., Horwood, L.J., and Lynskey, M.T, (1993), Maternal smoking before and after pregnancy: Effects on behavioral outcomes in middle childhood, **Pediatrics** 92(6):815–822.
- Fergusson, D.M., and Horwood, L.J., (2002), Male and female offending trajectories, **Development and Psychopathology**, 14, 159-177.
- Johnson, P. B., and Johnson H. L., (2001), Reaffirming the Power of Parental Influence on Adolescent Smoking and Drinking Decisions, **Adolescent and Family Health**, 2:37 to 43.
- Kaplan, H. B., (1978), Deviant behavior and self-enhancement in adolescence, **J. Youth Adoles**, 7: 253-277.
- Levy, Kenneth St C., (2001), The Relationship between Adolescent Attitudes towards Authority, Self-concept, and Delinquency, **Adolescence**, 36:333-346.

- Loeber, Rolf and David P. Farrington, (1998), Never too early, never too late: Risk factors and successful interventions for serious violent juvenile offenders, **Studies on Crime and Crime Prevention**, 7(1), 7-30.
- Lorenz , A., (2008), **Juvenile delinquency in Germany Destatis, 24 January– Federal Statistical Office** Germany are permitted provided source is mentioned. For further questions please use our contact form www.destatis.de/kontakt.
- Moffitt, T., (1993), Adolescent-limited and life-course persistent antisocial behavior: A developmental taxonomy, **Psychological Review**, 100, 647-701
- Moffitt, T. E., Arseneault, L., Jaffee, S. R., Kim-Cohen, J., Koenen, K. C., Odgers, C. L., et al. (2008), DSM-V conduct disorder: Research needs for an evidence base, **Journal of Child, Psychology and Psychiatry**, 49, 3-33.
- Parker, J.S., and Benson, M.J., (2004), Parent-adolescent relations and adolescent functioning: self-esteem, substance abuse, and delinquency, **Adolescence**, 39, 155, 519-530.
- Reckless WC, Simon D, Murray EB, Self-concept as an insulator against delinquency, **Am Sociol Rev** 1956; **21**: 744–6.
- Rigby, K., Schofield P., and Slee P. T., 1987, The Similarity of Attitudes towards Personal and Impersonal Types of Authority among Adolescent Schoolchildren, **Journal of Adolescence**, 10:241-253.
- Rosenbaum, J. and J. Lasley (1990), School, community context and delinquency: Rethinking the gender gap, **Justice Quarterly**, 7(3), 493-513.
- Siegel, L. J., and Senna J. J., (1988), **Juvenile Delinquency: Theory, Practice, and Law**. 3rd ed. St. Paul, Minn.: West. pp857
- Siegel, J.A., and L.M. Willaims, (2003), The Relationship Between Child Sexual Abuse and Female Delinquency and Crime: A prospective study, **Journal of Research in Crime and Delinquency**, pp588
- Nihart T., (2005), University of South Florida ,Kim Michelle Lersch ,University of South Florida ,Christine S. Sellers ,University of South Florida ,Tom Mieczkowski ,University of South Florida.
- Williams, B. N. (1999), Perceptions of Children and Teenagers on Community Policing: Implications for Law Enforcement Leadership, Training, and Citizen Evaluations, **Police Quarterly**, 2:150-173
- Williams, L., (2004), **Uncovering Links Between Childhood Abuse and Delinquency in Girls**, Available at <http://www.wcwonline.org>, accessed April 23, 2004